

## ابوسعید سجزی و جامع شاهی

یونس مهدوی  
کارشناس ارشد تاریخ علم

ymahdavi@ut.ac.ir

(دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۲، پذیرش: مرداد ۱۳۹۲)

### چکیده

آنچه در باره زندگی و دوره فعالیت ابوسعید سجزی، ریاضی‌دان و منجم ایرانی و مسلمان سده چهارم هجری، می‌دانیم اطلاعات اندکی است که از گزارش‌های دیگران و بعضی از آثار او به دست می‌آید. برخی از پژوهشگران با توجه به آثار ریاضی سجزی و بعضی از نسخه‌های ریاضی موجود به خط او، تاریخ تولدش را در حدود سال ۳۳۰ ق تخمین زده‌اند. از سجزی آثار متعددی در سه حوزه ریاضی، نجوم و احکام نجوم بر جای مانده است. با این که تعداد آثار احکامی سجزی در مقایسه با دیگر آثارش چشمگیر است، اما تا کنون تحقیقات کمی روی آنها صورت گرفته است. جامع شاهی یکی از مهم‌ترین این آثار است که سجزی در بخش‌هایی از آن گزارش‌هایی از وقایع تاریخی و نجومی سده چهارم هجری ثبت کرده است. در خلال این گزارش‌ها اطلاعاتی در باره فعالیت سجزی و شهرهای محل اقامتش دیده می‌شود. از دیگر آثار احکامی سجزی مجموعه‌هایی در دست است که اغلب عنوان «جامع شاهی» برای آنها ثبت شده و با جامع شاهی خلط شده‌اند. این مقاله می‌کوشد تا به کمک اطلاعاتی که سجزی در آثار خود آورده است تخمین دقیق‌تری از زندگی و دوره فعالیت او به دست دهد و نشان می‌دهد که مجموعه‌های رسائل احکامی سجزی یک اثر واحد نیستند و با رساله جامع شاهی تفاوت دارند.

کلیدواژه‌ها: ابوسعید احمد بن عبدالجلیل سجزی، الجامع الشاهی، جامع شاهی، خسوف، کسوف، گرفت

### ابوسعید سجزی

ابوسعید احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی یکی از ریاضی دانان و منجمان به نام ایرانی در سده چهارم هجری است. سجزی اصالتاً اهل سَجستان (سیستان) بود و بخشی از عمر خود را در شیراز، خراسان، تکریت، هیت (شهری در کنار رود فرات) و موصل گذراند. با توجه به بعضی از آثار سجزی و گزارش های پس از او چنین استنباط می شود که پدر سجزی هم ریاضی دان و منجم بوده است. سجزی در سال ۳۴۷ یزدگردی (۳۶۶-۳۶۷ ق/۹۷۶-۹۷۷ م) رساله ای در باره خواص سهمی وار و هندلولی وار برای پدرش اَبی الحسین محمد بن عبدالجلیل با لقب «الشیخ الفاضل» نوشته است (Arabe 2457/28). ابن طاووس در فرج المهموم می نویسد که کتاب تحویل سنی الموالید سجزی به دست او رسیده و والد سجزی، محمد بن عبدالجلیل سجزی، نیز از علمای علم نجوم بوده است. ابن طاووس دو اثر از پدر سجزی به نام های کتاب الزیجات فی استخراج الهیلاج والکدخداه و مقالة فی فتح الباب را نام می برد و تصریح می کند که آنها را دیده است (ص ۱۲۷). دو اثر از سجزی با عنوانی بسیار نزدیک به عناوین دو رساله اخیر وجود دارد اما از عبارت ابن طاووس چنین برداشت می شود که آنها را پدر سجزی تألیف کرده است. انتساب این دو اثر به پدر سجزی قطعی نیست (کُلبرگ، صص ۴۰۲، ۶۰۴). ابن فُندُق نیز از الجامع الشاهی سجزی در جوامع احکام نجوم خود مطالبی نقل کرده است (گ ۲۹ پ) و در باب «هیلاج و کدخدا» می نویسد که «و خواجه احمد <بن> عبدالجلیل در احکام هیلاج و کدخدای کتابی کرده است و من به خط وی دارم...» (همان، گ ۳۱ پ).

ذکر صریحی از تاریخ تولد و مرگ سجزی ثبت نشده و با توجه به آثاری که از او به جا مانده است دوره حیاتش را تخمین زده اند. یکی از منابعی که برای تخمین دوره فعالیت سجزی به آن استناد شده مجموعه ای خطی است به شماره Arabe 2457 متشکل از چند رساله ریاضی و نجومی متعلق به دانشمندان مختلف سده های سوم و چهارم هجری که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود (دُ سلان، صص ۴۳۰-۴۳۵). یازده رساله از این مجموعه دارای تاریخ کتابت بین سال های ۳۵۸ ق تا ۳۶۱ ق است و در انجامه بعضی از این یازده رساله نام سجزی به عنوان کاتب قید شده است. پنج رساله از این مجموعه خطی نیز از تألیفات خود سجزی است (رساله های ۱۰، ۲۷،

۲۸، ۳۱ و ۴۶). زوتر<sup>۱</sup> (ص ۸۰) با توجه به مجموعه خطی مذکور استدلال می‌کند که سجزی احتمالاً در سنین جوانی، حدوداً ۱۸ تا ۲۱ سالگی، مشغول به کتابت این نسخه‌ها برای خود بوده و تولد سجزی را در سال ۳۴۰ ق و مرگ او را به سال ۴۱۵ ق دانسته است. قربانی، در مقابل این استدلال، می‌گوید چون در این مجموعه خطی آثاری از سجزی دیده می‌شود که تألیف آنها نیازمند سطح بالایی از دانش ریاضی آن زمان بوده است، مثلاً همان رساله بیست و هشتم از این مجموعه که در باره خواص سهمی وار و هذلولی وار است، تألیفشان از جوانی ۲۰ ساله بعید به نظر می‌رسد و سجزی هنگام تألیف آنها دست کم ۳۰ سال داشته است و بنا بر این سال تولد او را می‌توان حدود ۳۳۰ ق دانست (قربانی، زندگی‌نامه ریاضی‌دانان...، ص ۲۵۴). دیگران هم دوره زندگی او را بین سال‌های ۳۳۳ ق و ۴۱۰ ق دانسته‌اند (سمپلونیوس،<sup>۲</sup> ص ۴۳۱). آخرین تاریخی که در آثار ریاضی سجزی ذکر شده تألیف کتاب فی تحصیل ایقاع النسب المؤلفة در اول محرم سال ۳۸۹ ق (نسخه شماره Or. 168/3 در کتابخانه لیدن؛ نک: دزی،<sup>۳</sup> ج ۳، ص ۵۵) است. بعضی معتقدند که دستنوشته پاریس در سده ۷ ق/۱۳ م از روی اصل نسخه‌ای که سجزی در آن سال‌ها نوشته بوده کتابت شده است (سزگین،<sup>۴</sup> ج ۶، ص ۱۹۲) و به دلیل وجود غلط‌هایی در متن و ترسیم‌ها نمی‌تواند از ریاضی‌دانی همچون سجزی باشد (هوخندایک، VII-VIII؛ همچنین نک: سمپلونیوس، همانجا). البته ایشان به هیچ‌یک از این غلط‌ها اشاره نکرده‌اند. برخی نیز با مرتب کردن برگ‌های دستنوشته پاریس، بر اساس شماره‌گذاری قدیمی برگ‌ها به ابجد، نشان داده‌اند که این دستنوشته قسمتی از یک مجموعه بزرگ‌تر بوده که بعداً ترتیب بخش‌های آن عوض شده و قسمت‌هایی از آن مفقود شده است. ایشان همچنین تأکید می‌کنند که تردیدی در قدمت و اصالت دستنوشته مذکور وجود ندارد (پاول کونیچ و ریچارد لُرج).<sup>۵</sup> رساله دهم این مجموعه خطی، اگر چه تاریخ تألیف یا کتابت ندارد، اما با توجه به کسی که رساله به وی تقدیم شده است (مُهدی‌الیه) حتماً قبل از سال ۳۵۱ ق به دست سجزی تألیف شده است (نک: دنباله مقاله) و اگر اصالت دستنوشته پاریس را بپذیریم باید بگوییم که سجزی این رساله را مجدداً در این مجموعه کتابت کرده و یا این که این مجموعه به

---

1. Suter  
2. Samplonius  
3. Dozy  
4. Sezgin  
5. P. Kunitsch & R. Lorch

یک‌باره نوشته نشده است. آنچه در هر صورت پذیرفتنی است آن است که سجزی در فاصله سال‌های ۳۵۸ ق تا ۳۶۱ ق تعدادی از رسائل مندرج در دست‌نوشته مذکور را تألیف و یا کتابت کرده و در آن هنگام در شیراز اقامت داشته است. طبق گزارش بیرونی سجزی در رصدی که در سال ۳۵۹ ق برای محاسبه میل اعظم در شیراز به ریاست عبدالرحمان صوفی و فرمان عضدالدوله دیلمی انجام شد مشارکت داشت. در این رصد منجمان دیگری چون ابوسهل کوهی، نظیف بن یمن و ابوالقاسم غلام زحل (نک: ابن ندیم، ص ۳۴۲) نیز حضور داشتند و ایشان پس از چند رصد، میل اعظم را برابر با ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه محاسبه کردند (تحدید نهایات الأماكن، صص ۸۹-۹۰). سجزی خود نیز در بعضی از آثارش به این رصد اشاره کرده است (نک: دنباله مقاله) و درباره آن می‌گوید که با ابزاری به نام «حلقه عضدیة» میل اعظم را در شیراز برابر با ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه اندازه‌گیری کرده و این مقدار مطابق با اندازه‌گیری حبش حاسب است (ترکیب الأفلاک، گ ۱۰پ).

پیش از آنکه شواهدی برای تخمین دقیق‌تر دوره فعالیت سجزی عرضه کنیم لازم است روشن کنیم که سجزی آثار خود را به چه کسانی تقدیم کرده است. سجزی رساله ترکیب الأفلاک (فهرست رضوی، ج ۸، ص ۸۶؛ سزگین، ج ۶، ص ۲۲۵) و کتاب الزائرجات فی استخراج الهیلاج والکدخداه (دانشگاه، ش ۳/۹۰۹) را به حاکم بویه، عضدالدوله دیلمی (حک: ۳۳۸-۳۷۲ ق؛ نک: باسورث، ص ۳۰۳)، تقدیم کرده است. فناخسرو بن رکن‌الدوله در سال ۳۵۱ ق به دست خلیفه، المطیع لله، ملقب به «عضدالدوله» شد (ابن اثیر، ج ۷، ص ۲۴۱؛ ابو علی مسکویه، ج ۶، ص ۲۳۴). سجزی یکی از آثار خود، به نام کتاب العمل بالصفحة الآفاقية را به «امیر ابوالحسین طاهر بن محمد السجزی» (سزگین، همان، ص ۲۲۶) و چندین اثر خود را به «السید الملک العادل ابی جعفر احمد بن محمد مولی امیرالمؤمنین» تقدیم کرده است. فرد دوم که نام او در متون تاریخی ابوالحسین طاهر بن محمد بن محمد بن ابی تمیم آمده، یکی از امیران سجستان بوده است که به گفته سجزی پس از رنج و سختی در اواخر عمر به حکومت رسید (جامع شاهی، گ ۳۰۷) و در سال ۳۵۹ ق از دنیا رفت (تاریخ سیستان، ص ۳۳۴). لویی ماسینیون<sup>۱</sup> (ص ۶۶۵) و به پیروی از او سمپلونیوس (ص ۴۳۱)، فرد سوم را به غلط ابونصر احمد بن محمد بن فریغون از امرای بلخ (حک: ۳۶۸-۴۰۱ ق)

دانسته‌اند. اما این شخص، ابوجعفر احمد بن محمد بن خلف بن اللیث، امیر سجستان و نخستین حاکم از تیره خلفی سلسله صفاریان است که در سال ۲۹۳ ق متولد شده است (تاریخ سیستان، ص ۲۷۸) و در ۳۱۱ ق به امارت سجستان رسیده است (همان، ص ۳۱). مادر ابوجعفر، سیده بانو، دختر محمد بن عمرو بن لیث و خواهر یعقوب بن محمد بن عمر بن لیث، بود و از این رو ابوجعفر به «بانویه» معروف شد (زریاب، ص ۱۱۰؛ ابوعلی مسکویه، ج ۶، صص ۲۴۸، ۲۹۳). ابوجعفر بانویه را با لقب «صاحب سجستان» نیز خوانده‌اند (ابوعلی مسکویه، ج ۶، ص ۲۹۳؛ سجزی، جامع شاهی، گ ۲۹۶). به گفته تاریخ سیستان ابوجعفر در شب سه‌شنبه «دو شب گذشته از ربیع‌الأول» سال ۳۵۲ ق به دست بعضی از ندیمان خویش به قتل می‌رسد (همان، ص ۳۲۶-۳۲۷) سجزی در جامع شاهی قتل او را به دست بعضی از نزدیکان و ندیماناش ذکر می‌کند اما تاریخ به قتل رسیدن او را روز سه‌شنبه از ربیع‌الأول سال ۳۵۱ ق و ششم فروردین ۳۳۱ یزدگردی ثبت کرده است (گ ۳۰۶ پ-۳۰۷ ر):

مولد امیر سجستان ابوجعفر أحمد بن محمد بن خلف السجزي بزیج أبي معشر  
كان ذلك اليوم الطالع السرطان كذا ... قتل رحمه الله في ربيع الأول سنة شنا  
للهجرة وكان ذلك خرداد <روز> من ماه فروردین سنة شلا <لیزدجرد> لیلۃ  
الثلاثاء؛ جلوسه یوم الاثنین فروردین روز من ماه مهر سنة رصب لیزدجرد بزیج  
أبي معشر الطالع القوس ك المریخ ه كح ... قتله صاحب جيشه وبعض أقرائه  
وندمائه.

روز ششم فروردین (خرداد روز) سال ۳۳۱ یزدگردی معادل است با روز ۲۲ صفر ۳۵۱ ق که سه‌شنبه است و با آنچه در تاریخ سیستان آمده متفاوت است. در هر حال سجزی قتل ابوجعفر بانویه را در سال ۳۵۱ ق ثبت کرده است و آنچه در باره کیفیت مرگ او می‌گوید با آنچه در تاریخ سیستان آمده همسان است. سجزی تاریخ به تخت نشستن ابوجعفر را روز دوشنبه، ۱۹ مهرماه سال ۲۹۲ یزدگردی یعنی ۷ رجب ۳۱۱ ق آورده است، اما در تاریخ سیستان روز چهارشنبه ۱۷ محرم ۳۱۱ ق ذکر شده است (ص ۳۱۰).

ابوجعفر بانویه بعد از آنکه صفاریان ضعیف شده بودند و سیستان دچار هرج و مرج شده بود به حکومت رسید و روزگار حکومت او دوران رفاه و عدل و داد در سیستان بود. ابوسلیمان سجستانی در صوان الحکمة ابوجعفر را حکیم و فیلسوف دانسته است و ذکر می‌کند که در علم سیاست قوی‌تر از علوم دیگر بود و سخنانی را که ارسطو در

باره سیاست برای اسکندر نوشته و گفته بود از حفظ داشت. ابوجعفر معاشر با فضلا و حکما بود و ابوسلیمان منطقی نیز از معاشران او بوده است. این مطلب را شهرزوری نیز در نزهة الأرواح و روضة الأفراح آورده است (زریاب، ص ۱۱۰).  
سجزی در چند رساله خود ابوجعفر را با عبارت «الامیر السید الملک العادل» یا «السید الفاضل الملک العادل» و «مولی امیر المؤمنین» خطاب می‌کند. یکی از این رساله‌ها (Arabe 2457/10) چنین شروع می‌شود:

سأل الامیر السید الملک العادل أبی جعفر أحمد بن محمد أطل الله بقائه وأدام  
علوه وفضله وتمکینه عن انقسام خط مستقیم ذي نهاية بنصفین بغير مقدمات  
یُستعمل فیها من مقدمات قدمها أقلیدس علی هذا الشكل...

سجزی این رساله را در جواب سؤال ابوجعفر مبنی بر دو نیم کردن پاره‌خط به روشی غیر از آنچه در اصول اقلیدس آمده نوشته است و پس از ذکر عبارت فوق می‌گوید که ابوجعفر قصد مقایسه فهم او با فهم یوحنا القس را داشته است (همان، گ ۵۲ پ). به نقل تاریخ سیستان، «امیر باجعفر مردی بود بیدار و سخی و عالم و اهل هنر و از هر علمی بهره داشت» و روز و شب مشغول بود به بخشیدن و داد و دهش (صص ۳۱۴-۳۱۵). رودکی نیز ضمن قصیده‌ای در وصف ابوجعفر چنین سروده است (تاریخ سیستان، صص ۳۲۰-۳۲۲):

آن ملک عدل و آفتاب زمانه	زنده بدو داد و روشنایی گیهان
...	...
ور تو حکیمی و راه حکمت جویی	سیرت او گیر و خوب مذهب او دان
آنک بدو بنگری به حکمت گویی	اینک سقراط و هم فلاطن و یونان
کو بگشاید زفان به علم و به حکمت	گوش کن اینک به علم و حکمت لقمان
...	...
پوزش بپذیرد و گناه ببخشد	خشم نراند به عفو کوشد و غفران

شاید سجزی عبارت «السید الملک العادل» را به دلیل شهرت ابوجعفر به عدالت آورده است و با توجه به محتوای رساله ریاضی که به ابوجعفر اهدا شده است می‌توان گفت که ابوجعفر از علم ریاضی نیز آگاهی داشته است.

### جامع شاهی

یکی از مهم‌ترین آثار سجزی در احکام نجوم الجامع الشاهی (یا جامع شاهی در ترجمه‌های ناقص موجود از آن که بیشترشان دارای نوع‌های سوم، چهارم و پنجم هستند؛ نک: دانشگاه، شماره ۲۹۰ و شماره ۴۸۴، مجلس، شماره ۳۶۱ فیروز) شامل هفت «نوع» است. چنان که سجزی در مقدمه این اثر ذکر می‌کند قصدش از تألیف آن تهیه کتابی جامع در دو موضوع «علم هیئت و ترکیب افلاک» و «علم قضا و احکام» بوده است. از عبارات مندرج در مقدمه معلوم می‌شود که سجزی رساله را به حاکمی تقدیم کرده اما نام او ذکر نشده است (نک: پیوست). نوع اول با تعریف علم هیئت و اجزاء آن شروع می‌شود و پس از بررسی حرکت سیارات (هیئت الأفلاک) با ذکر چند مسأله اساسی در مباحث احکامی خاتمه می‌یابد. در آغاز نوع دوم به نوع اول و مفاهیم اولیه هیئت که در آن آمده اشاره‌ای شده است. سجزی در این نوع مبحث حالات موالید را با ذکر تاثیرات فلکی و طبیعی بر جنین از زمان سقوط نطفه در رحم مادر با استفاده از روش ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی شروع می‌کند:

... ولأنا قد رأينا أبا العباس النيريزي قد استقصى في البحث عن أمر الجنين وشرح معانيه وسلوك سلكه على الطريق الصواب بمذهب بطلميوس ودرئوس قصدنا أن نأتي أولاً ما قاله في هذا المعنى ثم نردف القول على الترتيب بما يليق بهذا المعنى وبالله التوفيق؛ قال....

سه رساله از نیریزی در احکام نجوم ثبت شده است: مقاله فی حوادث القرائات و تفسیر کتاب الأربعة بطلميوس و کتاب الموالید. از بین این سه اثر فقط یک نسخه از رساله نخست موجود است (فهرست کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة، ج ۸، ص ۶۵۲، شماره ۵). رساله دوم را ابن ندیم (ص ۳۳۸) و قفطی (ص ۲۵۴) گزارش کرده‌اند و رساله سوم، کتاب الموالید، را بیرونی از تألیفات نیریزی دانسته است (بیرونی، التفهیم، ص ۳۶۱). سجزی مباحث مربوط به جنین را از کتاب الموالید نیریزی نقل می‌کند و آنگاه با واژه «اقول» مطالبی از خود بر آن می‌افزاید (مجلس، گ ۶۸ پ). نوع سوم جامع شاهی به «تحویل سنی العالم» اختصاص دارد و نوع چهارم در باره «اختیارات» است. نوع پنجم با عنوان «فی اختصار الألو ف واختصار القرائات

۱. نک: پیوست. برای بررسی جامع شاهی در این مقاله به سه نسخه دانشگاه، شماره ۶۲۷۶ و ملک، شماره ۳۶۲۱ و مجلس، شماره ۶۴۵۹ مراجعه کردم و در متن به شماره برگ‌های نسخه مجلس ارجاع می‌دهم.

واختصار التحاوایل للسنین» خلاصه‌ای است از دو کتاب: أوف ابو معشر بلخی و کتاب محمد بن عبدالله بن عمر با زیار. نوع ششم رساله که شاید مهم‌ترین منبع برای تعیین تاریخ تألیف جامع شاهی و دوره فعالیت سجزی است در سه بخش نوشته شده و نوع هفتم رساله شامل ۱۲ باب با عنوان «الدلائل فی أحكام النجوم» است. این نوع پایان رساله است و با عبارت زیر شروع می‌شود:

نريد أن نتكلم في هذا النوع وهو آخر كتاب...

اما نوع ششم که اکنون مد نظر ماست شامل سه بخش است. بخش اول با عنوان «نکت و نکت من أقاویل الحكماء من القدماء والمتأخرين فی تأثير الكواكب فی العالم الأرضی» در باره تأثیر اجرام سماوی بر عالم خاکی است. بخش دوم این نوع شامل گزارشی است از برخی از حوادث سال‌های ۳۱۲ ق تا ۳۹۳ ق، اعم از حوادث تاریخی و پدیده‌های جوی و نجومی مانند گرفت‌ها. میزان اطلاعاتی که سجزی برای هر سال گزارش کرده متفاوت است به طوری که گزارش بعضی از سال‌ها چند برگ نسخه‌ها را در بر می‌گیرد و در بعضی از سال‌ها فقط یک گرفت ثبت شده است. این گزارش‌ها با عبارت زیر آغاز می‌شود (مجلس، گ ۲۷۸ پ):

ذکر تاریخ الحوادث للاعتبارات سنة شیب لهجرة النبي محمد صلى الله عليه وآله وسلم

و بخش سوم اختصاص دارد به محاسبه زایجه موالید امیران و بزرگان سجستان و برخی از حاکمان بویه و سامانی. همان طور که مؤلف در آغاز بخش آخر می‌گوید، ترتیب تاریخی را در ذکر زایجه موالید اشخاص رعایت نکرده است و با توجه به تصریح وی و متن اثر، این بخش را با استفاده از زیج سندهند، زیج اَبی معشر بلخی، زیج ممتحن مأمونی، زیج حبش حاسب و زیجی که از آن با عبارت «بزیج الرصدی» یا «بالرصدی» نام می‌برد، تألیف کرده است. اولین شخصی که سجزی زایجه او را محاسبه می‌کند همان ابوجعفر احمد بن محمد بن خلف اللیث، یعنی ابوجعفر بانویه، است (مجلس، گ ۳۰۶ پ) که پیش‌تر از او سخن گفتیم.

سجزی در بخش دوم این نوع، ذیل وقایع سال ۳۳۲ ق، پس از ثبت یک خسوف (نک: جدول گرفت‌ها)، واقعه قتل اَبی یوسف البریدی را ذکر می‌کند که دیگران نیز ذیل همین سال آن را نقل کرده‌اند (ابن اثیر، ج ۷، ص ۱۲۶؛ ابوعلی مسکویه، ج ۶، ص ۸۴). بخشی از گزارش این سال چنین است (مجلس، گ ۲۹۳ پ):



ابوسعید سجزی و جامع شاهی / ۷۳

وورد علينا الخبر ونحن في تكريت بأن أبا عبدالله البريدي صار إليه أخوه  
ابويوسف وهو بالبصرة إلى داره التي في شاطئ عثمان في يوم الأربعاء في نصف  
من صفر....

گزارش سجزی از وقوع این قتل نشان می‌دهد که وی در سال ۳۳۲ ق در تکريت  
بوده است. همچنین گزارش دیگری در سال ۳۳۴ ق از حضور سجزی در شهر هیت خبر  
می‌دهد (مجلس، گ ۲۹۴ پ):

سنة ۳۳۴ في يوم آ، يا من المحرم سنة شلد بطالع الثور وأقيم المستكفي بالله  
ورد علينا الخبر ونحن بهيت بأن المستكفي بالله لقب نفسه إمام الحق وضرب  
ذلك على الدنانير والدراهم مضافاً إلى المستكفي.

سجزی در این سال ورود ابوالحسين علی بن بويه (معزالدولة) را به باب شماسية  
بغداد در روز یکشنبه ۱۱ محرم و ورود او به دربار را روز پنجشنبه ۱۷ جمادی الأولى  
ذکر می‌کند. سجزی خلع المستکفی بالله از خلافت و شروع خلافت المطیع لله را روز  
پنجشنبه ۲۲ جمادی الآخر ثبت کرده و مدت خلافت المستکفی را ۱۶ ماه و ۲ روز و  
مرگش را در ربیع الأول سال ۳۳۸ ق (مجلس، گ ۲۹۶ آ)، بر اثر خونریزی گزارش  
می‌کند (قس ابن اثیر، ج ۷، صص ۱۵۷-۱۵۹). در منابع دیگر نیز آمده است که  
المستکفی در محرم سال ۳۳۴ ق به خود لقب «إمام الحق» می‌دهد و این لقب را به  
دستور او روی سکه‌ها در کنار لقب «المستکفی» نقش می‌کنند (ابن الجوزی، ج ۱۴،  
ص ۴۲؛ ابن العمرانی، ج ۱، ص ۱۷۶).

گزارش‌های متعددی دیگری در جامع شاهی دیده می‌شود که اطلاعات دقیق‌تری از  
دوره فعالیت سجزی به دست می‌دهد، از جمله این که سجزی در سال ۳۵۳ ق در موصل  
بوده است (مجلس، گ ۲۹۹ ر؛ قس ابن اثیر، ج ۷، ص ۲۴۸ و ابوعلی مسکویه، ج ۶،  
ص ۲۴۲):

وورد الخبر بأن الجراد في آخر نيسان يأتي على غلات ديار مصر والرحبة وورد  
عليه الخبر ونحن بالموصل بأن ملك مصر نزل على طرسوس.

---

۱. ابن اثیر مرگ المستکفی را یک جا در ربیع الأول سال ۳۳۸ ق (ج ۷، ص ۱۵۹) و در جای دیگری (ج ۷، ص ۱۸۸)  
ربیع الثاني سال ۳۳۸ ق ذکر کرده است.

با توجه به اطلاعاتی که سجزی از فعالیت خود در جامع شاهی آورده است معلوم می‌شود که او بخشی از زندگی خود را در شهرهای تکریت، هیت و موصل گذرانده است. چنان که پیش‌تر گفتیم سجزی بیشتر سال‌های عمرش را در سیستان و شیراز گذرانده و مدتی هم در خراسان اقامت داشته است. سجزی در رساله المدخل إلى علم الهندسة که به احتمال زیاد در سال ۳۶۸ ق تألیف شده<sup>۱</sup> ابزاری نجومی را توصیف می‌کند که قبلاً آن را در سیستان ساخته است (نسخه خطی دوبلین، چستریتی 3652، گ ۱۷ پ):

وإني عملت آلة جلیلة خطيرة بسجستان تحکی العالم بأسره من الأفلاك  
والأشخاص العالیة ومدارات حركاتها بمقادیرها وكمیة أبعادها وأجرامها وصوره  
الأرض والبقاع والبلدان والجبال والبحار والرمال فی جوف كرة مشبکه وسمیةا  
بهیئة الكل.

همچنین در رساله‌ای با عنوان جواب أحمد بن محمد بن عبدالجلیل عن مسائل هندسیه سنل [کذا] عنه أهل خراسان که در ۱۲ شوال ۳۶۹ ق تألیف شده است (همان، گ ۵۸ پ، سطر ۲۲) به چندین مسأله هندسی که اهل خراسان از وی پرسیده بودند پاسخ می‌دهد. رساله بدون مقدمه و پس از ذکر عنوان وارد مسأله‌ها می‌شود، اما سجزی پس از پاسخ یکی از مسأله‌ها می‌گوید که آن مسأله در مجلسی مطرح شده است و نام دو نفر از حاضران در آن مجلس<sup>۲</sup> را می‌آورد (همان، گ ۵۴ پ؛ سجزی، مجموعه من رسائل هندسیه، ص ۱۶۱). این مطلب نشان می‌دهد که این مسأله‌ها به صورت حضوری مطرح شده و با توجه به تاریخ تألیف رساله، می‌توان گفت که سجزی کمی قبل از ۱۲ شوال سال ۳۶۹ ق در خراسان بوده است.

#### تاریخ تألیف جامع شاهی

آخرین گزارش وقایع تاریخی در جامع شاهی مربوط سال ۳۹۳ ق است که فقط شامل یک خسوف است، از این رو احتمالاً سجزی در این سال نوشتن جامع شاهی را به پایان رسانده است اما چند دلیل نشان می‌دهد که سجزی وقایع تاریخی سال‌های ۳۱۲ ق تا ۳۹۳ ق، یعنی نوع ششم جامع شاهی، را یکباره ننوشته بلکه به تدریج و طی چندین سال

۱. در انجامة این نسخه راجع به تاریخ تألیف رساله چنین آمده است:

«علفته من خط المصنف وکان قد فرغ من تصنیفه وکتابته فی ذی الحجة سنة ثمان وستین وثلثمائة».

۲. سجزی دو نفر به نام‌های الشیخ ابی الحسین مصری و ابی محمد السیفی را ذکر می‌کند که بیرونی از شخص دوم روشی در مبحث «دوائر السموت» در استیعاب نقل کرده است (ص ۵۵).

تألیف کرده است. وی هنگام ثبت وقایع سال ۳۵۴ ق خلیفه المطیع لله را با عبارت «امیر المؤمنین المطیع لله أطال الله بقاءه» خطاب می‌کند (مجلس، گ ۲۹۹ پ). بنا بر این، چون المطیع لله در سال ۳۶۳ از حکومت خلع شده و در همان سال هم از دنیا رفته است (ابن اثیر، ج ۷، صص ۳۱۸، ۳۲۳) سجزی ثبت وقایع تاریخی مندرج در نوع ششم جامع شاهی را قبل از سال ۳۶۳ ق شروع کرده و به تدریج تا سال ۳۹۳ ق آن را تکمیل کرده است. اما دیگر نوع‌های جامع شاهی و به خصوص نوع اول را، که در باره هیئت افلاک است، بعد از ماه شعبان سال ۳۵۹ ق نوشته است. سجزی در آغاز رساله المدخل، که در باره مقدمات احکام نجوم است، ذکر می‌کند که میل اعظم را در «قصبه فارس» با عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه، از راه رصد اندازه‌گیری کرده و مقدار آن را ۲۳ درجه و ۵۱ دقیقه به دست آورده است (دانشگاه، شماره ۸۶۰۹، گ ۲):

وقطب فلک البروج مايل عن فلک الاستواء کج جزءاً نا دقيقة كما ذکر  
بطلمیوس و کد جزءاً بزعم أهل الهند و کج لجزءاً بأرصاد بنی موسی لجزء له  
جزءاً برصد مأمونی ونا نحن رصدنا بقصبه فارس حیث یکون عرض البلد کط  
لو.

منظور سجزی از «قصبه فارس» شهر شیراز است، چون بیرونی می‌گوید که عبدالرحمن صوفی عرض جغرافیایی شیراز را ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه محاسبه کرده بوده است (تحدید نهایات الأماکن، ص ۲۹۱). چون رساله المدخل به ابوجعفر بانویه تقدیم شده پس قبل از سال ۳۵۱ ق نوشته شده است و سجزی هم قبل از این سال میل اعظم را در شیراز ۲۳ درجه و ۵۱ دقیقه اندازه‌گیری کرده بوده است. اما سجزی در نوع اول جامع شاهی میل اعظم را ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه ذکر می‌کند (مجلس، گ ۳-۴ پ):

...مقدار الميل الأعظم وهو علی ما حکاه بطلمیوس ثلاث وعشرون درجة  
وإحدى وخمسون دقيقة وعلی مذهب أصحاب الأرصاد في زمان المأمون وفي  
زماننا ثلاث وعشرون درجة وخمس وثلاثون دقيقة.

پس چون بیرونی گزارش کرده است که سجزی و چند تن دیگر از منجمان در رصدی که در سال ۳۵۹ ق در شیراز انجام شد میل اعظم را ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه اندازه‌گیری کردند (همان، ص ۸۹)، سجزی تألیف نوع اول جامع شاهی را بعد از سال ۳۵۹ ق آغاز کرده و احتمالاً نوع‌های دیگر را هم، به جز قسمتی از نوع ششم، بعد از این سال تألیف

کرده است. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که سجزی نوع‌های اول تا پنجم و نیز نوع هفتم و قسمتی از نوع ششم جامع شاهی را به تدریج بین سال‌های ۳۵۹ ق و ۳۹۳ ق تألیف کرده است.

سجزی نمی‌گوید که چرا فقط وقایع بازه تاریخی ۳۱۲-۳۹۳ ق را آورده است، اما این بازه تاریخی مصادف است با شروع حکومت شاخه خلفی سلسله صفاریان، یعنی روی کار آمدن ابوجعفر بانویه در سال ۳۱۱ ق، و انقراض این سلسله در سال ۳۹۳ ق با فتح سیستان به دست سلطان محمود غزنوی (باسورث، ص ۳۳۳).

سجزی پیش از سال ۳۵۱ ق دست کم ۶ رساله، ۵ رساله در احکام نجوم و یکی در ریاضیات، نوشته و به ابوجعفر بانویه تقدیم کرده است که برخی از آنها رساله‌های مفصلی در موضوع خود هستند:

رسالة أحمد بن محمد بن عبد الجلیل فی جواب مسئله عن کتاب یوحنا یوسف من انقسام خط مستقیم بنصفین وتبیین خطأ یوحنا فی ذلك؛

المدخل؛

جوامع تحویل سنی الموالد؛

کتاب المزاجات؛

کتاب الاختیارات؛

منتخب من کتاب الألو ف.

همچنین سجزی پیش از تألیف المدخل مشغول رصد هم بوده و میل اعظم را در شیراز اندازه‌گیری کرده است. وی در مقدمه المدخل می‌گوید که قصد تألیف کتابی جامع در فنی (احکام نجوم) را دارد که اکثر ایام خود را صرف مطالعه آن کرده است و تصریح می‌کند که هدفش از نوشتن رساله این بوده است که زحمت مطالعه کتاب‌های متعدد و تمیز بین اقوال مختلف را از دوش خواننده بردارد (دانشگاه، شماره ۸۶۰۹، گ ۱ پ).

با توجه به این که سجزی هنگام ثبت بعضی از وقایع سال‌های ۳۱۲ ق تا ۳۹۳ ق، از جمله سال ۳۳۲ ق و ۳۳۴ ق، تصریح کرده که خود شاهد آنها بوده است، نمی‌توان تولد او را بر اساس نظر قربانی سال ۳۳۰ ق دانست. همین طور ماسینیون و سمپلونیوس نیز در تشخیص ابوجعفر بانویه (۲۹۳-۳۵۱ ق) به خطا رفته‌اند و او را با ابونصر احمد بن محمد بن فریغون (حک: ۳۶۸-۴۰۱ ق) اشتباه گرفته‌اند. با توجه به حجم فعالیت‌های علمی سجزی پیش از سال ۳۵۱ ق و گواهی او بر حضورش در رخداد بعضی از وقایع

تاریخی سال‌های ۳۳۲ ق و ۳۳۴ ق می‌توان نتیجه گرفت که سجزی دست کم در حدود سال ۳۱۰ ق متولد شده و بین سال‌های ۳۳۲ ق و ۳۹۳ ق فعال بوده است.

### مجموعه‌های احکامی و خلط آنها با جامع شاهی

رساله‌های متعددی از سجزی در احکام نجوم شناخته شده که چند نسخه خطی شامل مجموعه‌ای از آنها موجود است. بعضی از این مجموعه‌ها دارای ۱۵ رساله هستند (موزه بریتانیا، Or. 1346) و بعضی هم چند رساله کمتر دارند (دانشگاه، ش ۸۶۰۹؛ مجلس، ش ۱۷۴؛ آستان قدس، ش ۶۳۵). برخی به اشتباه این مجموعه‌ها را همان جامع شاهی دانسته‌اند (قزوینی، ص ۲۰۱؛ قربانی، ریاضی دانان ایرانی، ص ۲۶۵؛ طهرانی، گاهنامه ۱۳۰۷، ص ۱۱۷) و بعضی هم به تفاوت آنها با جامع شاهی اشاره کرده‌اند (دانش‌پژوه، ص ۸۷۱). ابتدا فهرستی از عنوان رساله‌ها بر اساس سه نسخه موزه بریتانیا، Or. 1346 (ریو،<sup>۲</sup> صص ۵۲۸-۵۳۰)، آستان قدس، ش ۶۳۵ (ج ۸، صص ۱۱۹-۱۲۴) و دانشگاه، ش ۸۶۰۹ (ج ۱۷، ص ۱۷۴) می‌آوریم و سپس آنها را با استفاده از دو نسخه آستان قدس و دانشگاه بررسی می‌کنیم<sup>۳</sup>:

کتاب المدخل [إلى علم أحكام النجوم]

کتاب تحصیل القوانین لاستنباط الأحكام

کتاب الزائجات في استخراج الهیلاج والکدخداه

منتخب کتاب الموالید [لأبي معشر] (در ۲۳ فصل)

جوامع کتاب تحویل سنی الموالید [لأبي معشر] (در ۱۶ باب)

کتاب مزاجات الکواکب

کتاب الأسعار (در ۱۰ جمله)

کتاب الاختیارات (در ۳ فصل)

منتخب من کتاب الألوفا [لأبي معشر]

کتاب المعانی فی أحكام النجوم

کتاب الدلائل فی أحكام النجوم

کتاب معرفة فتح الأبواب

۱. ریو ۱۵ رساله فهرست کرده اما رساله چهاردهم که عنوان آن تشخیص داده نشده است شاید ادامه رساله دوازدهم باشد و به این ترتیب مجموعه بریتانیا شامل ۱۴ رساله باشد.

2. Rieu

۳. شماره برگ‌ها در بررسی مجموعه‌های احکامی بر اساس نسخه دانشگاه است.

کتاب حلول الکواکب فی البروج الإثنی عشر (ریو، ص ۵۳۰، n. XIII)  
رساله‌ای بدون عنوان شامل چند جدول (همانجا، n. XIV)  
کتاب زرادشت فی صور درجات الفلک. در فهرست ریو عنوان آن تشخیص داده  
نشده است (همانجا، n. XV).  
رساله‌های احکامی زیر نیز متعلق به سجزی است اما جزو مجموعه‌های احکامی  
مذکور نیامده است:

۱۶- منتخب معرفة أوقات الطلسمات علی أقوال القدماء، ۱۷- کتاب الأمطار، ۱۸-  
کتاب القرانات وتحویل سنی العالم (سزگین، ج ۷، ص ۱۸۱)، ۱۹- کتاب المسائل  
فی أسرار علم النجوم، ۲۰- کتاب الأوقات (همان، ص ۱۸۲).  
از بعضی از رساله‌های احکامی سجزی و یا ترجمه آنها به فارسی نسخه‌های مستقلی  
هم موجود است (فهرست رضوی، ج ۸، ص ۴۴۰، ش ۸ و ۹ و ۱۰؛ فهرست کتابخانه  
اهدایی سیدمحمد مشکوة، ج ۳، ص ۸۸۵). چند دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد این  
مجموعه‌های احکامی از آثار سجزی مشابه آنچه از آثار ریاضی سجزی موجود است  
(هوخندایک، IX) بعداً توسط کاتبان گرد هم آمده است. هر یک از رساله‌های مندرج  
در این مجموعه‌ها به طور مستقل و با موضوعاتی مستقل از یکدیگر تألیف شده‌اند و  
بعضی از آنها دارای خطبه‌ای جداگانه هستند و به افراد متفاوتی تقدیم شده‌اند، با توجه  
به مهدی‌الیه آنها می‌توان فهمید که احتمالاً زمان‌های نوشته شدن رساله‌ها نیز متفاوت  
بوده است.

رساله نخست، که عنوانش در صدر آن نیامده، با ذکر خطبه‌ای مفصل با اظهار  
ارادت فراوان به «الامیر السید الملک العادل اَبی جعفر أحمد بن محمد مولی امیر  
المؤمنین» تقدیم شده است. در مجموعه‌ها اغلب نام المدخل را برای این رساله ثبت  
کرده‌اند و در مواردی هم آن را با اثر دیگر سجزی به نام ترکیب الأفلاک اشتباه گرفته  
و رساله الأفلاک نامیده‌اند (فهرست رضوی، ج ۸، ص ۱۲۰، فهرست مجلس، ج ۲،  
ص ۹۴). سجزی رساله ترکیب الأفلاک را به عضدالدوله دیلمی اهدا کرده است  
(گ ۱ پ). البته شاید عنوان المدخل برای رساله نخست صحیح باشد چرا که این رساله  
شامل مباحث اولیه در احکام نجوم است و سجزی خود در باب بیست و یک از رساله  
چهارم و آغاز رساله دهم از کتابی با عنوان المدخل نام می‌برد (نک: دنباله مقاله).

رساله با تعیین فاصله کرات سماوی از زمین بر حسب شعاع زمین و تعریف مفاهیم  
اولیه نجوم چون فلک مُمَثَّل، فلک خارج مرکز و جوزهر شروع می‌شود و پس از آن

سجزی مقادیر مختلف میل اعظم را از قول بطلمیوس ۲۳ درجه و ۵۱ دقیقه، اهل هند ۲۴ درجه، بنوموسی ۲۳ درجه و ۳۳ دقیقه، رصد مأمونی ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه ذکر می‌کند و می‌نویسد که خودش آن را ۲۳ درجه و ۵۱ دقیقه در شیراز، با عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه، اندازه‌گیری کرده است.

چنان که پیشتر گفتیم، به گزارش بیرونی، سجزی میل اعظم را بعداً در سال ۳۵۹ ق در شیراز ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه اندازه‌گیری کرده است (تحدید نهايات الأماكن، صص ۸۹-۹۰) و در نوع اول جامع شاهی (مجلس، گ ۳-پ ۴) مقدار اخیر را می‌آورد.

سجزی در مبحث «حدود» می‌گوید که بین قدما اختلاف بوده است و به حدود مصریان، بطلمیوس، اسطراطو<sup>۱</sup> و هندیان اشاره می‌کند. وی می‌افزاید که استعمال حدود مصریان معمول بوده است اما او و ابوالقاسم زحل («وَأَنَا وَالْأَسْتَاذُ ابُو الْقَسَمِ الزَّحَلُ») به این حدود التفات نکرده‌اند و سپس جدولی مفصل برای آن می‌آورد (گ ۴-پ). رساله با چند جدول خاتمه می‌یابد و بعد از آخرین جدول عبارت زیر آمده است (گ ۱۴):

وإذ قد أتينا ما وعدنا في هذا الكتاب حصراً وإيجازاً وشرحاً وتفصيلاً فلنختمها  
ولنتلها بما يتلوها في الكتاب الثاني ويتصل بها إنشاءً لله تعالى، تم الكتاب  
بحمد الله ويتلوه تحصيل القوانين لاستنباط الأحكام.

در پایان بعضی از رساله‌ها، نام رساله بعدی مجموعه با عبارت «یتلوه...» آمده است که در برخی موارد با توجه به محتوای رساله بعد از آن معلوم می‌شود که از سوی گردآورندگان مجموعه‌ها درج شده است (مثلاً نک: انجامه رساله چهارم). سجزی در این رساله قبل از جداول پایانی، که ادامه مبحث «سهام» است، یک بار به خاتمه رساله و شیوه تألیف آن اشاره می‌کند:

قد أردنا هذه المقالة جملاً و جوامع ونكتاً و عيوناً لإغناء المتعلم لهذه الصناعة  
والمبتدئ فيها عن تفهمها واستقصائها ونظمنها فيها على المراتب التي رأيناها  
في النظم أحسن ومن الفهم أقرب وفي التعليم أوجب ونحن نختم ذلك بذكر  
السهم والبيانات إذ ذلك آخر ما بقي علينا مما هو شريطة هذه المقالة.

۱. در التفهیم در مبحث «حدود» نام این شخص اسطراطوس ثبت شده است. البته در نسخه بدلها اسطراطو هم آمده است (بیرونی، التفهیم، ص ۴۰۹).

اگر فرض کنیم که سجزی رساله دوم را پس از تألیف در پی رساله اول قرار داده است، چون رساله اول به ابوجعفر بانویه تقدیم شده است و رساله سوم هم به عضدالدوله دیلمی، رساله‌های مندرج در این مجموعه‌های احکامی که با عنوان «جامع شاهی» کتابت شده‌اند، در یک زمان تألیف نشده‌اند و بنا بر این نمی‌توان مجموعه آنها را یک اثر واحد در نظر گرفت.

رساله دوم، تحصیل القوانین لاستنباط الأحكام، به شخصی تقدیم نشده است و چنین تمام می‌شود:

كَمَلِ الْقَوْلِ فِي تَحْصِيلِ الْقَوَانِينِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَمَنَّهُ.

این رساله شامل ۱۳ قانون در استنباط احکام نجوم است که مؤلف پس از برشمردن آنها کیفیت استعمالشان را شرح می‌دهد.

رساله سوم، یعنی کتاب الزائرجات فی استخراج الهیلاج والکدخداه، به عضدالدوله با عبارت «الامیر الجلیل المنصور عضدالدوله أطال الله بقاءه» تقدیم شده است و بنا بر این مسلماً بعد از سال ۳۵۱ ق، سالی که لقب «عضدالدوله» از سوی خلیفه به حاکم بویهی داده شد، تألیف شده است. اما سجزی در رساله ترکیب الأفلاک، که پیشتر ذکر آن رفت، عضدالدوله را با لقب «شهنشاه» خطاب کرده است (گ ۱ پ):

الامیر السید الملک شهنشاه عضدالدوله وتاج الملة أباشجاع أطال الله بقاءه...

عضدالدوله نخستین حکمرانی است که در دوره اسلامی لقب «شاهنشاه» گرفت (ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۲۹۹؛ صفدی، ج ۲۹، ص ۶۴). تاریخ این لقب معلوم نیست اما هنگامی که عضدالدوله در شیراز بوده به او «شاهنشاه» می‌گفته‌اند. در قصیده‌ای که متنبی به سال ۳۵۴ ق در شیراز در مدح وی سروده لقب «شاهنشاه» آمده است (برقوقی، ج ۴، ص ۴۱۰؛ نیز نک: فقیهی، ص ۵۳):

أبا شجاعِ بِنِفاِرسِ عضدال  
دَوْلَةِ فَنَّاخَسِرُو شَهَنشَاهَا

از تاریخ تألیف ترکیب الأفلاک هم نمی‌توان تاریخ لقب «شاهنشاه» را دریافت، زیرا سجزی ترکیب الأفلاک را بعد از سال ۳۵۹ ق، که میل اعظم را در شیراز رصد کرده بود، نوشته است. وی در این رساله در باره اندازه میل اعظم می‌گوید (گ ۱۰ پ):



فأما محور فلک المستقیم فمائل عن محور فلک البروج ثلاث وعشرين درجة وإحدى وخمسين دقيقة وما رصدنا بفارس بالحلقة العضدية فثلث عشرين جزءاً وخمس وثلاثين على ما وجدته حبش.

با توجه به اینکه سجزی در آغاز کتاب الزائجات، لقب «شاهنشاه» را برای عضدالدوله ذکر نکرده شاید بتوان گفت که این رساله را قبل از وضع این لقب، یعنی دست کم قبل از سال ۳۵۴ق، تألیف کرده است.

رساله سوم با مقدمه‌ای در یک برگ شروع می‌شود و با ذکر پنج جدول به اتمام می‌رسد. از این رساله ترجمه‌ای فارسی بدون ذکر نام مؤلف موجود است (نک: فهرست رضوی، ج ۸، ص ۴۴۰، ش ۹).

رساله چهارم، منتخب کتاب الموالید، شامل ۲۳ باب است که در مقدمه به تعداد ابواب آن اشاره شده و رساله به کسی تقدیم نشده است. طبق گفته سجزی در ابتدای رساله، چون کتاب ابی‌معشر طولانی بوده و در مواضعی ابهام داشته است، قصد خلاصه کردن و روشن کردن آن را داشته و قسمتی از مطالب آن را برای سهولت کار در چند جدول گنجانده است. باب بیست و دوم یک جدول است و باب بیست و سوم در دو نسخه خطی فقط عبارت زیر را دارد (دانشگاه ۸۶۰۹، گ ۲۵ر؛ آستان قدس ۶۳۵، گ ۶۰):

الباب الثالث والعشرون في خاتمة الكتاب؛ وإذ قد أتينا ما وعدنا جملاً وجوامعاً ونكتاً وعيوناً فلنختم الآن هذا الكتاب ونتصل بما كان يجب تلوه وهو كتاب جمل تحويل سني المواليد إن شاء الله تعالى والصلوة على محمد وآله أجمعين.

روشن است که اختصاص بابی به عبارت بالا از سوی مؤلف بی‌معنی است. در ترجمه‌های فارسی این رساله هم باب بیست و سوم وجود ندارد: نسخه کتابخانه حمیدیه به شماره ۱۸۴۸ مورخ ۷۵۰ق تا ۸۱۱ق که فیلم آن در دانشگاه نگهداری می‌شود (فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۱، ص ۴۲۳، ش ۱۰) از ابتدای رساله تا پایان باب بیست و دوم را دارد و نسخه کتابخانه آستان قدس که مورخ ۵۶۰ یزدگردی (حدود ۶۸۰ق) است، بدون ذکر نام مؤلف و از باب دوم شروع می‌شود و با ترجمه باب بیست و دوم

---

۱. از دوست ارجمندم آقای علی صفری‌آق‌قلعه، پژوهشگر متون، که تصویر رنگی این رساله را در اختیار اینجانب قرار داد تشکر می‌کنم. فیلم موجود از این رساله که در دانشگاه نگهداری می‌شود تصویری است که از روی عکس سیاه و سفید نسخه تهیه شده و متأسفانه خوانا نیست.

به پایان می‌رسد (فهرست رضوی، ج ۸، ص ۴۴، ش ۸). نسخه عربی مجلس به شماره ۶۴۰۰ نیز فاقد باب بیست و سوم است (فهرست مجلس، ج ۱۹، ص ۵۴۹، ش ۱۰). معلوم نیست چرا نسخه‌های موجود از این رساله باب بیست و سوم را ندارند. شاید این باب از نسخه اساس کاتبان افتاده بوده و چون در مقدمه به ۲۳ باب اشاره شده است عبارت این باب در بعضی از نسخه‌های عربی افزوده کاتب باشد. به هر حال اگر باب بیست و سوم تألیف شده باشد، جای آن پس از عبارت «فی خاتمة الکتاب» است و از نسخه‌ای که کاتبان در اختیار داشته‌اند افتاده بوده است و چون رساله بعد با خطبه‌ای جداگانه به ابوجعفر بانویه تقدیم شده است می‌توان نتیجه گرفت که جمله آخر این فصل، «وتصل بما... أجمعین»، را هم کاتبان افزوده‌اند.

اما رساله پنجم، جوامع کتاب تحویل السنی الموالید، دارای ۱۸ باب است و در باب هفدهم به مطالب باب اول با ذکر «صدر الکتاب» اشاره شده است. با توجه به اینکه رساله به ابوجعفر بانویه تقدیم شده، مسلماً به طور مستقل تألیف شده و الحاق آن را به رساله قبل نمی‌توان کار مؤلف دانست. رساله با جمله زیر آغاز می‌شود (دانشگاه ۸۶۰۹/۵؛ ریو، ۵۲۹، n. II):

ألفه للأمير السيد الفاضل الملك العادل أبي جعفر أحمد بن محمد مولى  
امير المؤمنين عبد<ه> أحمد بن محمد بن عبد الجليل السجزي.

ترجمه‌ای از این رساله به فارسی در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که نام مؤلف در آن قید نشده است اما از متن و مهدی‌الیه آن معلوم می‌شود که ترجمه همین رساله است (فهرست رضوی، ج ۸، ص ۴۴، ش ۱۰)<sup>۱</sup>. ترجمه دیگری هم از این رساله موجود در موزه بریتانیا به شماره Or. 10879 گزارش شده است (اونس، ص ۶۵۶). رساله ششم، کتاب المزاجات، شامل مقدمه‌ای کوتاه و چندین جدول است و به ابوجعفر بانویه تقدیم شده است. سجزی در پایان این رساله تصریح می‌کند که از آوردن جداول بیشتر خودداری می‌کند چرا که آنها را قبلاً در دو کتاب دیگرش به نام‌های کتاب صور درجات الفلك و کتاب المعانی <فی> أحكام النجوم وضع کرده است (دانشگاه ۸۶۰۹، گ ۷۶). این دو رساله که قبل از کتاب المزاجات تألیف شده‌اند به ترتیب رسائل ۱۴ و ۱۰ این مجموعه‌ها هستند و پس از کتاب المزاجات قرار دارند و این نشان می‌دهد که ترتیب قرار گرفتن رساله‌ها در این مجموعه‌های احکامی کار مؤلف نیست.

۱. فهرست‌نگار مهدی‌الیه رساله را به غلط مستعین بن معتصم عباسی (سده سوم) دانسته است.

ابوسعید سجزی و جامع شاهی / ۸۳

نسخه‌هایی از ترجمه فارسی این رساله نیز موجود است (فهرست ملک، ج ۶، ص ۳۲۰، ش ۵؛ فهرست رضوی، ج ۱۰، ص ۲۳۵، ش ۷)  
رساله هفتم، کتاب الأسعار، رساله کوتاهی در ۱۰ جمله است که با ذکر عناوین جمله‌ها شروع می‌شود و به کسی تقدیم نشده است. در آغاز رساله عنوان هر جمله بیان شده است و رساله با عبارت زیر خاتمه می‌یابد (دانشگاه ۸۶۰۹، گ ۷۴ر؛ آستان قدس ۶۳۵، گ ۱۵۸ر):

جملة العاشرة في الاعتبارات، هذا آخر ما عملت من هذا الكتاب إلى أن يسر  
الله فتمم الاعتبارات إن شاء الله وحده.

به نظر می‌رسد که مطالب جمله دهم افتاده است زیرا عنوان آن در آغاز «فی الإعتبارات من قول القدماء والمحدثين وما قد جربناها في زماننا» ذکر شده است. در نسخه دیگری از این رساله که به طور مستقل از دیگر آثار احکامی سجزی در مجموعه شماره ۴۸۲ دانشگاه موجود است جمله دهم با عبارت «الجملة العاشرة في الإعتبارات آخر قول القدماء والمحدثين وما قد جربناها في زماننا» (گ ۸۶پ) شروع می‌شود و پس از آن جای مطالب جمله دهم توسط کاتب خالی گذاشته شده است.  
رساله هشتم، کتاب الاختيارات، شامل ۳ فصل است و به ابوجعفر بانویه تقدیم شده است و بنا بر این سجزی آن را قبل از ۳۵۱ق نوشته است.  
رساله نهم، منتخب من كتاب الألف که به ابوجعفر بانویه تقدیم شده و در نتیجه قبل از ۳۵۱ق نوشته شده است. رساله با مقدمه‌ای شروع می‌شود و شامل ۹ قسمت است که عنوان آنها با «القول علی...» یا «القول فی...» مجزا شده است.  
سجزی در رساله دهم، کتاب المعاني فی أحكام النجوم شامل ۸ مقاله («قول»)، از سه کتاب دیگر خود نام می‌برد و می‌نویسد که این رساله را بعد از آنکه تألیف آنها را به پایان رسانده نوشته است (دانشگاه ۸۶۰۹/۱۰):

...إني لما فرغت من الكتب الثلاث التي هي كتاب المدخل وكتاب التحصيل  
في القوانين وكتاب الدلائل ابتدأت بكتاب سمّيته المعاني في هذا العلم...

از این مقدمه معلوم می‌شود که سجزی کتاب الدلائل فی أحكام النجوم، یعنی رساله یازدهم، را قبل از رساله دهم تألیف کرده است و جمله پایانی رساله، «تم كتاب المعاني في أحكام النجوم ويتلوه كتاب الدلائل»، مسلماً افزوده کاتب است.

کتاب الدلائل في أحكام النجوم رسالة يازدهم است که سجزی در ابتدا به نامگذاری و غرض تألیف آن اشاره می‌کند. این رساله به کسی تقدیم نشده است. رسالة دوازدهم، معرفة فتح الأبواب، رسالة کوتاهی است و بدون مقدمه وارد مطلب می‌شود. سجزی از رساله‌ای از یعقوب بن اسحاق الکندی نام می‌برد و می‌گوید که کندی آن را برای بعضی از دوستانش تألیف کرده بوده است (دانشگاه ۸۶۰۹، گ ۱۳۳). بعضی اشتباهاً به جای کندی نام بیرونی را آورده‌اند (سزگین، ج ۷، ص ۱۸۱). رسالة سیزدهم، کتاب حلول الكواكب في البروج الإثني عشر، در فهرست ریو آمده و ظاهراً به شخصی تقدیم نشده است.

رسالة چهاردهم فقط در فهرست ریو ذکر شده و این طور شروع می‌شود:

هذه جداول مثبتة فيها دلائل أجزاء الفلك لثمانية وستين جزءاً وما يطلع في كل جزء منها من الصورة...

در دو نسخه دانشگاه و آستان قدس، رسالة دوازدهم، یعنی معرفة فتح الأبواب، با چند جدول تمام می‌شود. باید نسخه بریتانیا دیده شود که آیا رسالة چهاردهم بقیه رساله دوازدهم است یا نه.

رسالة پانزدهم، کتاب زرادشت في صور درجات الفلك، در دو نسخه آستان قدس و دانشگاه شروع آن متمایز نشده و رسالة پانزدهم فهرست ریو است که رساله‌ای بدون عنوان در مبحث طلسمات معرفی شده است (ریو، ص ۵۳۰، n. XV). آغاز و انجام آن در هر سه مجموعه این است:

آغاز: وإذ قد أتينا ما كان يجب تقديمه فلنؤتي الآن على سبيل اللغز والتمثيل الأشياء التي كان القدا يكتمونها... انسانی و مطالعات فرسی

انجام: ...وبالله العون والعصمة تم كتاب زرادشت في صور درجات الفلك.

بیشتر رسائل مندرج در این مجموعه‌های احکامی مطابق است با تألیفات ابومعشر بلخی (کینگ، ۱ صص ۳۲-۳۹) و اغلب آنها خلاصه و بازنویسی از تألیفات ابومعشر و دیگر منجمان است. تعدادی از این رساله‌ها را سجزی به امیر سجستان، ابوجعفر احمد بن محمد بن خلف اللیث، تقدیم کرده که در نتیجه آنها را قبل از ۳۵۱ ق نوشته است. یک رساله هم به عضدالدوله دیلمی تقدیم شده که می‌بایست بعد از سال ۳۵۱ ق و پیش

از سال ۳۷۲ ق تألیف شده باشد. با توجه به دورهٔ فعالیت سجزی (حدود ۳۲۵-۳۹۳ ق) این رساله‌های احکامی در نیمهٔ اول زندگی او تألیف شده که بیشتر برگرفته از آثار پیشینیان سجزی است. تفاوت اصلی جامع شاهی، که نگارش آن در سال ۳۹۳ ق پایان یافته است، با این مجموعه‌های احکامی آن است که سجزی در ابتدای جامع شاهی به ذکر مباحث نجومی از جمله هیئت افلاک می‌پردازد که در رسائل احکامی او دیده نمی‌شود و مطالب بخش احکامی آن هم از تألیفات خود سجزی است و نه بازنویسی و خلاصه‌نویسی کتب قدما.

سجزی علاوه بر گزارش وقایع تاریخی در نوع ششم جامع شاهی، که سندی کهن از تاریخ سدهٔ چهارم هجری است، ۵۶ گرفت را از گرفت‌هایی که بین سال‌های ۳۱۲ ق تا ۳۹۳ ق رخ داده ثبت کرده است. گرفت‌های گزارش شده توسط سجزی را با استفاده از سه نسخهٔ ملک به شمارهٔ ۳۶۲۱، دانشگاه به شمارهٔ ۶۲۷۶ و مجلس به شمارهٔ ۶۴۵۹ با فهرست اُپلتسیر<sup>۱</sup> و فهرست ناسا<sup>۲</sup> مقایسه کرده‌ام و در جدول ۱ آورده‌ام. سجزی در بیشتر موارد جزئیات یک گرفت را هم ثبت کرده است. این جزئیات شامل تاریخ و روز هفته، فاصلهٔ زمانی آن با طلوع آفتاب، مقدار گرفت و موضع دائرة البروجی آن است. میزان اطلاعاتی که سجزی برای گرفت‌ها آورده است یکسان نیست. مثلاً در بعضی موارد به جای ذکر شمارهٔ روز ماه قمری به آوردن عبارت «النصف» اکتفا کرده است (مثلاً ردیف ۷ در جدول ۱). با تطبیق این موارد با دو فهرست اُپلتسیر و ناسا، معلوم می‌شود که در بعضی از آنها، که روز ماه مشخص نشده و تنها واژهٔ «النصف» آمده است، منظور از این واژه شب پانزدهم یعنی روز چهاردهم ماه قمری بوده است. در جدول ۱ شمارهٔ متناظر با هر خسوف از فهرست اُپلتسیر (شماره‌هایی که با عدد ۳۳ شروع می‌شود) در آخرین ستون سمت چپ داده شده است اما مواردی هست که با ثبت سجزی تفاوت دارد (حداکثر تفاوت ۲ روز است) و ثبت سجزی منطبق با فهرست ناسا است. در این موارد شمارهٔ فهرست ناسا هم ذکر شده است. کسوف‌های ثبت شده در جامع شاهی با فهرست ناسا تطبیق داده شده و شمارهٔ آن فهرست در جدول آمده است.<sup>۳</sup>

1. Opolzer

2. *Five Millennium Catalog of Lunar Eclipses: -1999 to +3000 (2000 BCE to 3000 CE)*, NASA, January 2009.

3. *Five Millennium Catalog of Solar Eclipses*

جدول ۱: گرفت‌ها

شماره اُپلتیسیر و ناسا	تاریخ یولیان			تاریخ هجری قمری			روز هفته	نوع گرفت
	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال		
۳۳۰۱	۲۷	February	۹۲۹	۱۱۳	ذی‌الحجة	۳۱۶	سه‌شنبه	۱ خسوف
۳۳۱۱	۲۵	October	۹۳۴	۱۳	ذی‌القعدة	۳۲۲	شنبه	۲ خسوف
۶۹۷۷	۳۰	September	۹۳۵	۲۸	[شوال] <sup>۲</sup>	۳۲۳	چهارشنبه	۳ کسوف
۳۳۱۲	۱۶	March	۹۳۶	۱۴	ربیع‌الآخر	۳۲۴	جمعه	۴ خسوف کلی
۳۳۱۸	۴	July	۹۳۹	۳۱۳	رمضان	۳۲۷	شنبه	۵ خسوف
۳۳۱۹	۲۹	December	۹۳۹	[۱۳] <sup>۴</sup>	[ربیع‌الأول]	۳۲۸	[شنبه]	۶ خسوف کلی
۳۳۱۹	۲۹	December	۹۳۹	۵۱۴	ربیع‌الأول	۳۲۸	یکشنبه	۷ خسوف کلی
۳۳۲۲	۱۲	June	۹۴۱	۶۱۴	رمضان	۳۲۹	شنبه	۸ خسوف
۶۹۹۳	۱۱	November	۹۴۱	۷۲۸	صفر	۳۳۱	جمعه	۹ کسوف
۳۳۲۴	۱۶	October	۹۴۳	۱۳	صفر	۳۳۲	دوشنبه	۱۰ خسوف
۳۳۲۵	۴	October	۹۴۴	۸۱۲	صفر	۳۳۳	جمعه	۱۱ خسوف کلی
۳۳۲۹	۴	August	۹۴۷	۹۱۳	محرم	۳۳۶	چهارشنبه	۱۲ خسوف کلی
۳۳۳۰	۲۸	February	۹۴۸	۱۰۱۳	رجب	۳۳۶	جمعه	۱۳ خسوف کلی
۳۳۳۱	۲۳	July	۹۴۸	۱۱۱۳	محرم	۳۳۷	یکشنبه	۱۴ خسوف

۱. متن: «وفي ليلة دَيدَ من ذی‌الحجة انكسف القمر كله» یعنی در شب چهارشنبه چهاردهم ذی‌الحجة ماه‌گرفتگی کامل رخ داد که در واقع سه‌شنبه شب، سیزدهم ذی‌الحجة است.
۲. متن: «وكان الشمس قد انكسفت يوم جَ بَ بقیتا من شعبان». این کسوف در فهرست ناسا نیست اما اگر به جای شعبان ماه شوال در نظر بگیریم همان کسوف 6977 فهرست ناسا است.
۳. متن: «وانكسفت الشمس يومَ وللثلاثین بقیتا من شهر رمضان نحو نصف جرهما».
۴. متن: «وفي ليلة النصف من صفر انكسف القمر كله». در این سال سجزی خسوفی کلی در نیمه صفر ثبت کرده است ولی در فهرست‌های موجود چنین‌گرفتی ثبت نشده است. نزدیکترین گرفت به این تاریخ، خسوف شماره 3319 فهرست اُپلتیسیر است.
۵. متن: «وفي ليلة الجمعة النصف من ربیع‌الأول انكسف القمر كله». محاسبه نشان می‌دهد که ۱۵ ربیع‌الأول سال ۳۲۸ ق روز دوشنبه است و نه جمعه.
۶. متن: «وفي ايار و رجب من رمضان انكسف القمر ثلثة ارباعه».
۷. متن: «وفي يومَ وللثلاثین بقیتا من صفر انكسف الشمس أقل من نصفها».
۸. متن: «في ليلة السبت من صفر انكسف القمر كله». روز این گرفت در متن نیامده است اما طبق فهرست اُپلتیسیر در روز جمعه ۱۲ صفر ماه‌گرفتگی رخ داده است.
۹. متن: «في ليلة يدَ خلونَ من المحرم انكسف القمر كله فطال مكته».
۱۰. متن: «في يومَ زيدَ رجب انكسف القمر كله على خمس ساعات وثلث من الليل في برج الأسد».
۱۱. متن: «في ليلة بَ يدَ من المحرم انكسف القمر في الدلو».

شماره ايلتيسر و ناسا	تاريخ يولياني			تاريخ هجري قمرى			نوع گرفت	روز هفته
	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال		
٧٠٠٩	٢٢	December	٩٤٩	١٢٧	جمادى الثاني	٣٣٨	كسوف	شنبه
٣٣٣٣	٣	June	٩٥٠	٢١٣	ذى الحجة	٣٣٨	خسوف	دوشنبه
٣٣٣٥	٢٣	May	٩٥٠	٣١٣	ذى الحجة	٣٣٩	خسوف كلى	جمعه
٣٣٤٤	١٨	January	٩٥٧	٤١٣	شوال	٣٤٥	خسوف	يكشنبه
٧٠٣٠	١٣	December	٩٥٨	٥٢٨	رمضان	٣٤٧	كسوف	دوشنبه
٣٣٤٧	٢٨	December	٩٥٨	٦١٣	شوال	٣٤٧	خسوف	سه شنبه
٣٣٥١	٢٢	April	٩٦٢	٧١٤	ربيع الأول	٣٥١	خسوف كلى	سه شنبه
٣٣٥٥	١٨	February	٩٦٥	١٣	صفر	٣٥٤	خسوف كلى	شنبه <sup>٨</sup>
٣٣٥٨	٤	August	٩٦٦	١٣	شعبان	٣٥٥	خسوف كلى	شنبه <sup>٩</sup>
٧٠٤٩	١٠	July	٩٦٧	١٠٢٩	رجب	٣٥٦	كسوف	سه شنبه
٣٣٦١	٧	December	٩٦٨	١١١٣	محرم	٣٥٨	خسوف كلى	دوشنبه
٧٠٥٢	٢٢	December	٩٦٨	٢٨	محرم	٣٥٨	كسوف	سه شنبه <sup>١٢</sup>
٣٣٦٢	٣	June	٩٦٩	١٤	رجب	٣٥٨	خسوف كلى	پنجشنبه
٣٣٦٣	٢٦	November	٩٦٩	١٣١٣	محرم	٣٥٩	خسوف كلى	جمعه
٧٠٥٦	٨	May	٩٧٠	١٤٢٨	جمادى الثاني	٣٥٩	كسوف	يكشنبه
٣٣٦٤	٢٣	May	٩٧٠	١٥٢	رجب	٣٥٩	خسوف	چهارشنبه
٣٣٦٥	١٦	November	٩٧٠	١٣	محرم	٣٦٠	خسوف	چهارشنبه
٧٠٥٩	٢٢	October	٩٧١	٢٨	ذى الحجة	٣٦٠	كسوف	يكشنبه

١. متن: «وفي يوم زَبَ بقيتا من جمادى الآخرة انكسفت الشمس».
٢. متن: «في ليلة بَ يد من ذى الحجة انكسفت القمر ارجح من نصفه».
٣. متن: «في ليلة زَ يد من ذى الحجة طلع القمر منكسفاً وانكسفت جميعه».
٤. متن: «في ليلة يوم بَ يد شوال انكسفت القمر نحو السدس منه».
٥. متن: «وفي يوم بَ ر [صحیح: أ] بقيتا من رمضان انكسفت من الشمس شئ يسير».
٦. متن: «في يوم الثلاثاء يد من شوال انكسفت القمر كله».
٧. متن: «في ليلة جَ النصف من ربيع الأول انكسفت القمر كله».
٨. متن: «في ليلة زَ يج من صفر انكسفت القمر كله».
٩. متن: «في ليلة زَ يج من شعبان انكسفت القمر كله».
١٠. متن: «في يوم كح من رجب انكسفت من الشمس ارجح من النصف».
١١. متن: «في ليلة يوم جَ يد من المحرم انكسفت القمر كله في العقرب».
١٢. متن: «وفي يوم كح من المحرم انكسفت من الشمس نحو الثلثين منها وقت الظهر في برج الأسد».
١٣. متن: «في ليلة زَ يد من المحرم انكسفت القمر كله في الجوزا».
١٤. متن: «في يوم الأحد لليلة بقيت من جمادى الآخرة انكسفت من الشمس ارجح من الثلثين في برج الثور».
١٥. متن: «... وفي ليلة بَ منه [رجب] قبلاً ذكر شده است [انكسفت القمر أكثر من نصفه في برج القوس وطلع وقد دخل في الكسوف».

شماره اُپلُتسِر و ناسا	تاریخ یولیان			تاریخ هجری قمری			روز هفته	نوع گرفت
	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال		
۳۳۶۶	۱	April	۹۷۲	۱۱۳	جمادی الأولى	۳۶۱	دوشنبه	خسوف
۳۳۷۰	۱۱	March	۹۷۴	۱۳	جمادی الآخرة	۳۶۳	چهارشنبه	خسوف
۷۰۷۲	۱۳	December	۹۷۷	۲۸	ربیع الثانی <sup>۲</sup>	۳۶۷	پنجشنبه	کسوف
۳۳۷۵	۱۴	May	۹۷۹	۲۱۳	شوال	۳۶۸	چهارشنبه	خسوف
۳۳۷۶	۶	November	۹۷۹	۴۱۳	ربیع الثانی	۳۶۹	جمعه	خسوف
۳۳۷۷	۳	May	۹۸۰	۵۱۴	شوال	۳۶۹	دوشنبه	خسوف کلی
۷۰۸۳	۲۰	September	۹۸۲	۶۹	ربیع الثانی	۳۷۳	پنجشنبه	کسوف
۷۰۹۶	۱۸	May	۹۸۸	۲۸	محرم	۳۷۸	جمعه <sup>۷</sup>	کسوف
۳۳۹۱	۳	June	۹۸۸	۸۱۴	صفر	۳۷۸	یکشنبه	خسوف
۳۳۹۴	۷	October	۹۹۰	۱۴	رجب	۳۸۰	سه‌شنبه	خسوف کلی
۷۱۰۱	۲۱	October	۹۹۰	۲۸	رجب	۳۸۰	سه‌شنبه	کسوف
۳۳۹۵	۱	April	۹۹۱	۱۳	محرم	۳۸۱	چهارشنبه <sup>۹</sup>	خسوف کلی
۳۳۹۶	۲۶	September	۹۹۱	۱۴	رجب	۳۸۱	یکشنبه	خسوف کلی
۷۱۰۹	۲۰	August	۹۹۳	۲۸	جمادی الآخرة	۳۸۳	یکشنبه	کسوف
(۳۴۰۳) ۱۱۷۲۱۰	۲۵	May	۹۹۷	۱۰۱۴	جمادی الأولى	۳۸۷	سه‌شنبه	خسوف
۳۴۰۶	۶	November	۹۹۸	۱۲۱۳	ذی القعدة	۳۸۸	یکشنبه	خسوف
۷۱۲۳	۱۲	October	۹۹۹	۲۸	شوال	۳۸۹	پنجشنبه	کسوف
۳۴۰۸	۲۷	October	۹۹۹	۱۴	ذی القعدة	۳۸۹	جمعه	خسوف
۷۱۲۴	۷	April	۱۰۰۰	۲۸	ربیع الثانی <sup>۱۳</sup>	۳۹۰	یکشنبه	کسوف

۱. متن: «سنة ۳۶۱ وفي ليلة جَـ يَدِ جمادى الآخرة كسوف قمرى».
۲. متن: «وفي يوم هـ كَحِ ربيع الأول [صحيح: ربيع الثاني] كسوف الشمس نحو ربيع».
۳. متن: «في ليلة هـ به شوال كسوف قمرى تسع أصابع».
۴. متن: «سنة ۳۶۹ وفي ليلة و يَجِ ربيع الأول [صحيح: ربيع الثاني] كسوف القمرى تسع أصابع».
۵. متن: «وفي ليلة بـ به [نسخة دانشگاه: آید] شوال كسوف قمرى كله».
۶. مجلس: «وفي يوم و طَ ربيع الآخر كسوف شمسى عند طلوعها نحو أربع أصابع». و طَ (پنجشنبه نهم) خط خورد، كه البته صحيح است، و درحاشیه و كَحِ آمده است.
۷. متن: «سنة ۳۷۸ في يوم و كَحِ محرم كسوف الشمس نحو نصفها».
۸. متن: «وفي ليلة آيه صفر كسوف القمر نحو ثلثه».
۹. متن: «وفي ليلة زَ [صحيح: د] يَجِ محرم ينكسف القمر كله».
۱۰. متن: «وفي ليلة جـ به جمادى الأولى كسوف قمرى نحو نصفه».
۱۱. خسوف شماره 3403 در فهرست اُپلُتسِر روز ۲۴ می است اما در فهرست ناسا ۲۵ می.
۱۲. متن: «في ليلة بـ يَدِ ذى القعدة كسوف قمرى».
۱۳. دانشگاه و مجلس: «ربیع الأول».



شماره اُپلتسیر و ناسا	تاریخ یولیان			تاریخ هجری قمری			روز هفته	نوع گرفت	
	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال			
۳۴۱۰	۵	September	۱۰۰۱	۱۱۳	شَوّال	۳۹۱	جمعه	خسوف	۵۳
۳۴۱۱	۱	March	۱۰۰۲	۲۱۳	ربیع‌الثانی	۳۹۲	یکشنبه	خسوف کلی	۵۴
۳۴۱۲	۲۴	August	۱۰۰۲	۱۳	شَوّال	۳۹۲	سه‌شنبه <sup>۳</sup>	خسوف کلی	۵۵
۳۴۱۳	۱۹	February	۱۰۰۳	۴۱۳	ربیع‌الثانی	۳۹۳	جمعه	خسوف	۵۶

از مجموعه گرفت‌ها ۲۱ گرفت (گرفت‌های ۲، ۴، ۱۰، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۲ و ۵۵) دقیقاً معادل گرفت‌های محاسبه شده اُپلتسیر و ناسا است و ۱۶ گرفت (گرفت‌های ۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۳ و ۵۴) هم با تفاوت در بیان روز، مثلاً به جای روز سه‌شنبه ۱۳ محرم که وقت گرفت طبق محاسبه است (شماره ۱۴) عبارت شب چهارشنبه ۱۴ محرم آمده، مطابق دو فهرست مذکوراند. ۱۹ گرفت دیگر در اکثر موارد یک روز با فهرست‌های اُپلتسیر و ناسا اختلاف دارند و در بعضی از موارد هم اختلاف در روز هفته و یا ماه است؛ مثلاً در گرفت شماره ۳ روز ماه و هفته دقیق است و فقط به جای ماه شَوّال ماه شعبان آمده است که ممکن است اشتباهی در کتابت نسخه‌ها باشد. میزان گرفت‌ها هم بر اساس متن سجزی در جدول قید شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. متن: «في ليلة السبت يد شَوّال خسوف قمری نحو عشرة أصابع».
۲. متن: «سنة ۳۹۲ وفي ليلة بَ ربيع‌الآخر خسوف قمری كله».
۳. متن: «في ليلة يج شَوّال خسوف قمری كله».
۴. این گرفت در نسخه دانشگاه افتاده و در نسخه مجلس (گ ۳۰۶ ر) چنین است: «سنة ۳۹۳ وفي ليلة بَ يه ربيع‌الآخر خسوف قمری نحو سبعين».

[پيوست]

مقدمه الجامع الشاهي

اين مقدمه را از روى سه نسخه تصحيح كردم: نسخه ملك به شماره ٣٦٢١، دانشگاه به شماره ٦٢٧٦ و مجلس شورا به شماره ٦٤٥٩. در سازواره انتقادى از اين اختصارات براى اشاره به نسخهها استفاده شده است: «د»: دانشگاه، «ش»: مجلس شورا، «م»: ملك.

/ [د، ش، م: گ ١ پ] بسم الله الرحمن الرحيم

النوع الأول من الجامع الشاهي

لأبي سعيد<sup>١</sup> أحمد بن محمد بن عبد الجليل السجزي رحمه الله  
الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد سيد المرسلين وعلى آله  
الطيبين الطاهرين. وبعد<sup>٢</sup> فإنني لما رأيت خصال الفضل متفرقة في أفاضل  
الناس وفيه مجتمعة وعلمت أن ميله إلى العلوم والآداب ورغبته في اقتنائها  
ومحبته لأهلها<sup>٣</sup> صادقة خالصة بحيث يحيى به العلم ويبقى معه الذكر  
أردت أن أولف لخزانتة عُمُرت بطول بقائه كتاباً جامعاً في أصول علم  
التنجيم وفروعه يشتمل على النوعين الشريفين اللذين<sup>٤</sup> هما علم الهيئة  
وتركيب الأفلاك وعلم القضاء والأحكام وتقدمة المعرفة بالكائنات وأن<sup>٥</sup>  
أصدَره باسمه لازال عالياً باقياً سامياً. والذي يشتمل عليه الكتاب أولاً في  
الأصول التي عليها معول المنجم بأقسامها الطبيعية ثم من بعدها الأصول  
والقوانين المدخلية ثم من بعدها أحوال الكواكب والأبراج والبيوت<sup>٦</sup>  
وأوضاعها وأشكالها ومقادير أبعادها وأجرامها وحركاتها وإضافات

١. د: [فوق سطر: أبو]: ش: «عمله أبو»

٢. م: «سعد»

٣. د: [فوق سطر]

٤. د: «بعد»

٥. م: «لامها»

٦. د: «الدين»

٧. د: «فان»

٨. ش: «فالبوت»

أجرامها<sup>۱</sup> إلى جرم الأرض ومساحة / [ش: گ ۲ر] الأرض وأقاليمها ثم من بعد ذلك دلائل الكواكب في أنفسها وخواصها الكلية عموماً وفي<sup>۲</sup> المواليد خصوصاً ثم من بعد ذلك دلائل السّهام ودلائل<sup>۳</sup> الكواكب في تحاويل سني المواليد وشهورها وأيامها ودلائلها<sup>۴</sup>، ذلك دلائل<sup>۵</sup> الكواكب العامية الكلية التي تظهر في هذا العالم من جهة تحاويل سني العالم والقرانات والإنتهائات وأدوار العالم. وهذا حين<sup>۶</sup> أبتدى بالكتاب بتوفيق الله<sup>۷</sup> وقوته.



۱. د، ش: «احوالها»
۲. م، د: «في»
۳. ش: «ت ودلائل»
۴. م، د: «دلائلها»
۵. م: «دلائل»
۶. م، د: «عين»
۷. د: «لله»

### منابع

- اونس، مردیت، «نسخ خطی فارسی در موزه بریتانیا»، ترجمه ایرج افشار، [نشریه] نسخه‌های خطی، ج ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴.
- ابن الأثیر، ابو الحسن الشیبانی الجزری، الكامل فی التاريخ، تصحیح عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۹۹۷.
- ابن الجوزی، جمال الدین ابو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تصحیح محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ابن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، به کوشش انتشارات منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۳.
- ابن القفطی، تاریخ حکماء یاخبار العلماء، تصحیح یولیوس لیبرت، لایپزیگ، ۱۹۰۳.
- ابن کثیر، ابو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری، البداية والنهاية، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، جوامع الأحكام النجوم، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۰۴۱.
- ابن الندیم، کتاب الفهرست للندیم، تصحیح محمدرضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ائیک بن عبد الله، الوافی بالوفیات، تصحیح أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفی، دار إحياء التراث، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ابن العمرانی، محمد بن علی بن محمد، الإنباء فی تاریخ الخلفاء، دار الآفاق العربیة، چاپ اول، القاهرة، ۱۴۲۱ق.
- ابوعلی مسکویه، أحمد بن محمد بن یعقوب، تجارب الأمم وتعاقب الهمم، تصحیح ابوالقاسم امامی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۸.
- باسورث، ادموند کلیفورد، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- برقوقی، عبدالرحمن، شرح دیوان الممتنبی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م.
- بیرونی، ابوریحان، استیعاب الوجوه الممكنة فی صنعة الأبطال، تصحیح سیدمحمد اکبر جوادی حسینی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ش.
- ، تحديد نهايات الأماكن لتصحيح مسافات المساكن، تصحیح بولگاکوف، قاهره، ۱۹۶۲.
- ، التفهيم لأوائل صناعة التنجيم، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۲.
- تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراء بهار، چاپ دوم، انتشارات پدیده خاور، تهران، ۱۳۶۶.

ابوسعید سجزی و جامع شاهی / ۹۳

دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة به دانشگاه تهران، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۲.

زریاب، عباس، «بانویه، ابوجعفر»، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹-۱۱۱.

طهرانی، سیدجلال‌الدین، گاهنامه طهرانی ۱۳۰۷، کتابخانه طهران (مطبعة مجلس)، تهران، ۱۳۴۶. سجزی، ابوسعید، ترکیب الأفلاک، نسخه خطی شماره ۷۵۰۳، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

—، الجامع الشاهی، نسخه خطی شماره ۶۴۵۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.  
—، مجموعه من رسائل هندسیه، چاپ عکسی نسخه استانبول، رشید ۱۱۹۱، به کوشش فؤاد سزگین و مقدمه یان پیتر هوخندایک، فرانکفورت، ۲۰۰۰.

—، مجموعه رسائل احکامی (با عنوان الجامع الشاهی)، نسخه خطی شماره ۶۳۵۰، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

همان، نسخه خطی شماره ۸۶۰۹، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

—، المدخل إلى علم الهندسة، نسخه خطی دوبلین، چستریتی ۳۵۶۲.  
فقیهی، علی‌اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله: چگونگی فرمانروائی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه، انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، ۱۳۴۷.

فهرست کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة به دانشگاه تهران، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۲ و ج ۸، تهران، ۱۳۳۹.

فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۱۰، تألیف غلامعلی عرفانیان، مشهد، ۱۳۶۲.  
فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۸، تألیف احمد گلچین معانی، سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌ها، مشهد، ۱۳۵۰.

فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، تألیف محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.

فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تألیف عبدالحسین حائری، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۵۰.

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تألیف یوسف اعتصامی (اعتصام الملک سابق)، ج ۲، مطبعة مجلس، تهران، ۱۳۱۱ش.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، تألیف ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، نشر هنر، تهران، ۱۳۶۶.

قربانی، ابوالقاسم، ریاضیدانان ایرانی، مدرسه عالی دختران ایران، تهران، ۱۳۵۰.

—، زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵.

قزوینی، محمد بن عبدالوهاب، حواشی چهار مقاله تألیف عروضی سمرقندی، لیدن ۱۹۰۹.  
کلبرگ، اتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان،  
کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، ۱۳۷۱.

De Slan, B., *Catalogue des Manuscrits Arabes*, Paris, 1883-1895.

Dozy, P., *Catalogus Codicum Orientalium Bibliothecae Academiae Lugduno Batavae*,  
vol. III, Leiden, 1851-1877.

Esenak, F. & Meeus, J., *Five Millennium Catalog of Lunar Eclipses: -1999 to +3000*  
(2000 BCE to 3000 CE), Maryland, 2009.

Hogendijke, J. P., Intro. to *A Collection of Geometrical Works: Majmu'at min Rasa'il*  
*Handasiyya*, Facsimile edition of manuscript Istanbul, Reşit 1191, Frankfurt am Main,  
2000.

King, D., "Abū Ma'shar al-Balkhī, Ja'far ibn Muḥammad", *Dictionary of Scientific*  
*Biography*, ed. by Charles Coulston Gillispie, vol. 1, New York, 1981, pp. 32-39.

Kunitzsch, P. & Lorch, R., "A Note on Codex Paris ar. 2457", *Zeitschrift für Geschichte*  
*der Arabisch-Islamischen Wissenschaften*, Band 8, Frankfurt am Main, 1933, pp. 235-  
240.

Massingnon, L., "Inventaire de la Littérature Hermetique Arabe", printed in: Moubarak's  
*Opera Minora*, tome I, Beirut, 1963, pp. 650-666.

NASA, *Five Millennium Catalog of Solar Eclipses*, in the following web address  
<http://eclipse.gsfc.nasa.gov/SEcat5/SEcatalog.html>.

Oppolzer, T. F., *Canon der Finsternisse*, Wien, 1887.

Rieu, C., *Supplement of the Arabic Manuscripts in the British Museum*, London, 1894.

Samplonius, Y. D., "Al-Sijzī, Abū Sa'īd Aḥmad ibn Muḥammad ibn 'Abd al-Jalīl",  
*Dictionary of Scientific Biography*, ed. by Charles Coulston Gillispie, vol. 12, New  
York, 1981, pp. 431-432.

Sezgin, F., *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Band VI, Lieden, 1978.

———, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Band VII, Lieden, 1979.

Suter, H., *Die Mathematiker und Astronomen der Araber und ihre Werker*, Leipzig, 1900.